

مروری بر آثار و عواقب سیاست نگاه به شرق

سایه سنگین روس‌ها

امیر آریا

گریگوری افیمویچ راسپوتین، کشیش مسیحی دربار تزار روسیه (۱۸۶۴ تا ۱۹۱۶) از قدرت و شهرت بسیاری برخوردار بود. او با چشمان سحرآمیز و نگاه نافذی که داشت، به قلوب شمار زیادی از مردم به ویژه زنان راه یافت و از قدرت خود که در شفای بیماران بهره می‌گرفت، توانست به دربار تزار راه یابد. او نفوذ عجیبی در نیکلای دوم و ملکه‌ی او داشت، زیرا با درمان پسر بیمار تزار که شاید در آن روزگار به مثابه یک معجزه بود، نقش تاثیرگذاری در تحولات تاریخ این کشور ایفا کرد. در آن زمان پسر تزار و ملکه از بیماری مهلکی رنج می‌برد و هیچ پزشکی نتوانست او را معالجه کند تا اینکه خیر شهرت راسپوتین به دربار رسید. پی او فرستادند و به انتظارش نشستند. شب سردی بود. نور شمع‌های زیبا در تالار قصر جلوه‌ی بسیار زیبایی آفریده بود. سن پترزبورگ آن شب اتفاق عجیبی را تجربه کرد. نیکلا و ملکه در سالن باشکوه قصر با صدای آرام بیانوی نوازنده کنار تخت الکسی بیمار به انتظار آمدن کسی بودند که شهرتش تقریباً عالمگیر شده بود.

بالاخره زمان موعود فرا رسید و خدمتکار دربار نوید آمدن راسپوتین را داد. با اجازه‌ی تزار وی وارد شد و با نگاه نافذ و سحرآمیزش بیش از تزار، ملکه را مجذوب خود کرد. پس از مدتی راسپوتین که قد بلند، ریش بلند و لباس کشیشی به تن داشت، کنار بستر الکس حضور یافت و با نوازش او و به زبان آوردن واژه‌هایی به طور معجزه‌آسا او را به حیات بازگرداند تا از این پس بتواند نفوذ خود را در دربار تزار تضمین کند. پس از آن شب عجیب، ملکه که شیفته‌ی این مرد

مقدس مآب شده بود، پای وی را به دربار باز کرد تا از آن به بعد تاریخ روسیه با تحولات فراوانی مواجه شود. رفت و آمد او به دربار و نفوذ بی‌سابقه‌اش در تزار و ملکه به حدی رسید که حکم مشاور دربار را بازی کرد و با عزل و نصب‌های فراوان، عملاً خواسته‌ها و نیت خود را به دربار دیکته می‌کرد. تا اینکه به تدریج خصوصیات اخلاقی و بی بند و باری او برای اطرافیان کاخ مشخص شد، به گونه‌ای که همه او را به هرزه‌گی و عیاشی با زنان می‌شناختند.

راسپوتین می‌گفت برای قبول توبه باید تا حد امکان گناه کرد و به این ترتیب بار گناهان او دامن دربار را نیز گرفت. اما از دست تزار کاری ساخته نبود زیرا راسپوتین همیشه به تزار ابقاء کرده بود که سرنوشت او به سرنوشت تزار بسته است. سرانجام کشیش هوسران در دسامبر ۱۹۱۶ به دست شاهزاده بوسیوف به قتل رسید و جسدش در رودخانه پیدا شد.

قدرت و نفوذ عجیب راسپوتین روی ملکه به حدی بود که حتی پس از مرگش ملکه با آوردن افرادی موسوم به جادوگر درخواست احضار روح راسپوتین را می‌کرد تا درباره مسایل مهم مملکت نظر او را جویا شود؟! ساده‌ترین فرضیه برای علت فروپاشی امپراتوری تزار نیکلای دوم را شاید بتوان اقدامات و عملکرد کشیش راسپوتین دانست، زیرا فقط او توانست ضربه نهایی را بر پیکر سلطنت وارد آورد.

... و حالا سالیان سال از آن روزها می‌گذرد و سرزمین سفید بار دیگر شاهد حکمرانی یکی از نوادگان راسپوتین است، حکومتی که در ظاهر خبری از فساد

اخلاقی و عیاشی در آن نیست، اما به گواه تاریخ هنوز کسانی بر آن حکومت می‌کنند که به معامله‌گران تاریخ شهره‌اند و جز منافع خود به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. آنها در طول این سال‌ها همواره سایه سنگین خود را بر ایران زمین گسترده‌اند و نقش مهم و تعیین کننده‌ای در تحولات سیاسی کشور ما ایفا کرده‌اند، به طوری که حتی اگر می‌خواستیم نیز نمی‌شد از زیر سایه سنگین آنها خارج شد. با نگاهی به تاریخ پویای سیاسی و اجتماعی ایران در طول دویست سال گذشته، می‌توان به راحتی دریافت که به دلیل مرزهای مشترک با این کشور، روابط ما متأثر از آن کشور بوده و هست، اما اینکه آیا در طول این زمان موفق شده‌ایم از این همزیستی نتیجه‌ای بگیریم یا خیر، باید صادقانه گزینه دوم را انتخاب کرد.

پس از پیروزی انقلاب و اتخاذ سیاست "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" توسط مسولان، اجرای این سیاست آغاز شد اما به تدریج یک ضلع از اضلاع این شعار محوری از صحنه اجرا عملاً حذف شد و فقط رابطه با آمریکا و غرب تا حدی مورد بازنگری قرار گرفت که آثار آن هنوز هم بر عرصه دیپلماسی کشور مشخص است. اما ضلع دیگر آن که همواره مورد تاکید حضرت امام (ره) بود، به کنار گذاشته شد.

روزنامه جمهوری اسلامی اوایل آبان ماه امسال در بالای صفحه نخست خود به نقل از حضرت امام در صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۷۸ این گونه نوشت: "هر دو جریان باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیری‌ها به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه

تاریخ حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داران غرب و در راس آن آمریکای جهان‌خوار و کمونیسم و سوسیالیسم بین‌الملل و در راس آن شوروی متجاوز باشند.

این گفته حضرت امام (ره) امروز ظاهراً مورد توجه دست‌اندرکاران قرار نگرفته است. هر چند ما نیز معتقدیم هر حرفی را باید در ظرف مکانی خاص مورد بررسی و تحلیل قرار داد، با این وجود معتقدیم سیاست نگاه به شرق و تقویت ارتباط با کشورهای هم‌چون روسیه، چین، کره شمالی، و نژوئلا، روسیه سفید و... اگر چه در ظاهر خطری ندارد، اما فایده‌و اثر لازم را نیز نصیب کشور نمی‌کند. اگر آمریکا و غرب به همان میزان که باید مورد اطمینان و اعتماد نظام نیستند، شرق، روسیه و کشورهای همسو با آن نیز نباید محور سیاست خارجی ما باشند، زیرا هیچ کدام قابل اعتماد نیستند.

سال می‌رسد، هنگام بهره‌برداری از کاربرد قابل اطمینانی برخوردار نباشد!

مسئله در این بین هستند کسانی که سنگ ارتباط با روسیه را همواره به سینه می‌زنند و این کشور را آلت‌رناتیو مناسبی برای مقابله با سیاست‌های آمریکا می‌دانند. البته همان طور که ذکر شد، همچنان معتقدیم که اتخاذ یک سیاست خاص باید در ظرف مکانی خاص بررسی و تحلیل شود و از این منظر شاید در این وضعیت چاره‌ای جز روش کنونی نداشته باشیم، اما باید به مسوولان هشدار داد که قرار دادن همه تخم‌مرغ‌ها در سبد روسیه نیز کار چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

طرفداران ارتباط با روسیه، سفر پوتین به تهران را موفقیت بزرگی برای دولت نهم ارزیابی می‌کنند و آن را در تابلوی افتخارات خود ثبت می‌کنند، اما فراموش کرده‌اند که حدود ۲۰ سال است که ایران زیر سایه سنگین

می‌گفت. از این رو ولادیمیر پوتین در چنین شرایطی برای شرکت در سمینار خزر به تهران می‌آید تا بر این فرضیه صحت بیشتری بگذارد.

اما در اینجا باید به یک پرسش پاسخ داد که در معامله با روس‌ها، از دیرباز تاکنون چه چیزی به دست آوردیم و یا بهتر بگوییم چه چیزی را از دست داده‌ایم؟ از زمان پتر کبیر که قفقاز و آسیای مرکزی را معامله کردیم و امتیازهای بی‌شماری را به آنها دادیم تا امروز که در ظاهر به عنوان مدافع ایران در برابر غرب به بازی مشغولیم، چه چیزی عایدمان شده است؟

نیروگاه بوشهر یا... کد امیک؟

ما همواره در شرایط دشوار به این کشور پناه آوردیم، اما روسیه هم‌زمان با دشمنان ما سر میز مذاکره می‌نشاند و هزار وعده و وعید به آنها می‌دهد. با این حال آیا حضور صرف او در تهران توانست دستاورد خاصی را به ارمغان آورد، در حالی که بلافاصله نتایج این نشست را جلوی

میز اسرائیل و آلمان ریخت؟!

در هر حال ما نیز آمدن پوتین به ایران را از یک منظر مفید می‌دانیم، اما همچنان از بزرگ‌نمایی دستاوردهای سفر او به تهران حمایت نمی‌کنیم زیرا همیشه تاریخ نشان داده که هر گاه منافع آنها اقتضا کند، از موافقت‌های خود عدول کرده و به عهد خود پایبند نخواهند بود. از این رو اتکای صد در صد به قول‌های این کشور شرط عقلانیت دیپلماتیک نیست، چه آنکه آنها در عدم پایبندی به تعهدات خود شهره‌ی جهانی دارند، بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که موافقت‌نامه‌های امروز، فردا مورد مناقشه قرار نگیرد؟

نگرانی مردم از روس‌ها در نحوه تعامل آنها با ایران است. اکنون که نشست خزر پایان یافته و پوتین نیز جزئیات نشست تهران را با دشمنان ما در میان گذاشته، باید به انتظار نشست و دید آیا وی به راه اسلاف خود ادامه می‌دهد یا قصد دارد برای اولین بار با سنت‌شکنی ذهنیت منفی ایرانیان را نسبت به کشورش تغییر دهد؟

رفتارهای دوگانه روسیه و سایر کشورهای شرقی که از لحاظ تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی قابل اتکای صد در صد نیست، هشدارهای واقع‌گرایانه به کشور و مسوولان است که مبادا در ورطه سیاست‌های فریب‌کارانه‌ی آنها گرفتار شوند.

با این همه در وضعیت کنونی ظاهراً چاره‌ای جز ارتباط با این کشور نیست و باید از شر دشمنان به این کشور پناه آورد، اما آیا به راستی می‌توان به او اعتماد کرد؟ زمان پاسخ این سوال را به زودی خواهد داد.



روس‌ها زندگی می‌کند و افکار روشنفکران و سیاستمداران ما همواره متأثر از تحولات این کشور بوده است. آنها با زیرکی در این سالها حتی در زمان رژیم پهلوی با ایران قطع ارتباط نکرده‌اند و با تاسیس و تقویت حزب توده، سیاست‌های خود را از طریق آن اعمال می‌کردند.

کشورهای زیادی قبل و بعد از انقلاب رابطه خود را با جمهوری اسلامی قطع کردند، اما این کشور هیچگاه تا این مرز پیش نرفت و با اعمال سیاست‌های مکارانه، حتی زمانی که شعار مرگ بر شوروی سر می‌دادیم، از ضرورت تقویت روابط و مناسبات تاریخی دو کشور سخن

اگر برای معامله با آمریکا و غرب نیاز به حامی جدی و کشور مقتدری داریم، شاید روسیه گزینه مناسبی باشد، اما کافی نیست، زیرا به گواه تاریخ در طول ۲۰۰ سال گذشته هیچگاه به قول‌های وعده داده شده عمل نکرده‌اند، آنها همواره فروشنده‌اند و معامله‌گر و صد البته در این بازار مکاره اگر پول و معامله سودمندتری عایدشان شود، مسلماً جانب ایران را نخواهند گرفت. نمونه آن نیروگاه اتمی بوشهر است که سال‌های سال از زمان احداث آن می‌گذرد و هنوز افتتاح نشده است. بدعهدی روس‌ها آن چنان است که حتی بعید نیست برخی از تاسیسات و تجهیزات آن که عمرشان به بیش از ۲۰